

تفکر استراتژیک : نیاز امروز دنیای آموزش

کار را ترک می کند. البته گاهی روزها، کارهایی هم انجام می دهد که معمولاً به اتلاف کاغذ، وقت و منابع شرکت منجر می شود.

- مهرزاد نامنظم است و با وجود انواع مکانیزم های تنبیهی، به ندرت پیش می آید که بتواند قبل از هشت و نیم یا حتی نه، به محل کار برسد. او عصرها هم چند دقیقه قبل از ساعت پنج، شرکت را با شتاب ترک می کند تا به یک دوره ی آموزشی که در آن ثبت نام کرده برود. اما در کار خود متخصص است و اکثر همکاران شرکت، سوالات فنی خاص را از او می پرسند.

اگر از شما بپرسند که کدام یک از این دو نفر، برای سازمان مناسب تر است، احتمالاً بر روی کاغذ یا الان که به صندلی تکیه داده اید، سعید هیچ شانسی برای انتخاب شدن ندارد. اما تقریباً به هر سازمانی سر بزنید، سعیدهای زیادی را می بینید که سرگرم کار هستند و مهرزادهایی که هر روز در تنش رفت و آمد بین اتاق خود و اتاق سرپرست شان هستند.

با وجود این که همه می دانیم حرکت کردن تنها به سمت مقصد و در جهت مورد نظر ما ارزش دارد، اما گرفتار این قضاوت نادرست می شویم که دویدن در هر جهتی، بهتر از ندویدن و سریع تر دویدن بهتر از کندتر دویدن است.

تفکر استراتژیک نحوه اندیشیدن بر مبنای مفاهیم استراتژی است. تفکر استراتژیک صرفاً به بهتر شدن شیوه آموزش ما کمک نمی کند بلکه شیوه بهتر فکر کردن را به ما می آموزد. همه ما بخش قابل توجهی از زمان و انرژی خود را به حل مسائل و چالش ها اختصاص می دهیم با این تفاوت که: کسانی که از تفکر استراتژیک بهره کمتری برده اند، تنها به دنبال چالش هایی می گردند که دود زیادی از آن ها برخاسته است.

تفکر استراتژیک، قبل از بروز نشانه های آشکار، با جستجو و شناخت روندها، می کوشد مشکلات آتی را پیش بینی کند.

معیار های تفکر استراتژیک

در هر تفکر استراتژیک باید سه معیار را مد نظر قرار دهیم:



حساسیت به جهت حرکت

کم نیستند افرادی که صرف دویدن را ارزشمند می دانند. برای آنها جهت و مقصد دویدن مهم نیست.

به این دو نفر فکر کنید:

- سعید، هر روز رأس ساعت هشت وارد شرکت می شود و بدون این که کار خاصی انجام دهد ساعت پنج، محل

بخشی از پرورش تفکر استراتژیک، با این هدف انجام می‌شود که بتوانیم ناحیه‌ی مداوار را بهتر و با خطای کمتر تشخیص دهیم یا حدس بزنیم.

مواجهه با روندها

نکته مهمی که وجود دارد این است که تفکر استراتژیک در کنار رویدادها، روندها را نیز می‌بیند. و برای تغییر روندها، به جای توسل به رفتارهای مقطعی، روندهای جدیدی را شکل می‌دهد.

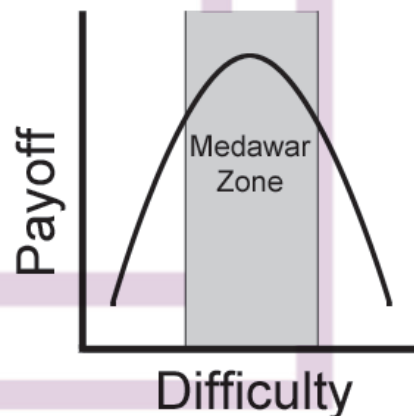
اگر بخواهیم ببینیم در سیستم آموزشی چه میزان از تفکر استراتژیک استفاده می‌شود، کافی است فهرستی از چالش‌های آموزشی ما تنظیم گردد، سپس ببینیم چه سهمی از آن‌ها باید امروز حل شود؟ چه سهمی باید تا سال آینده حل شود؟ و چه سهمی باید در چند سال آینده حل شود؟



انتخاب چالش‌هایی با مقیاس مناسب

مسئله‌ی ساده‌ای هست که اکثر ما به شکلی آن را در کار و زندگی تجربه کرده‌ایم. اما چون فردی به نام مداوار (Medawar) این مسئله را برای اولین بار در حوزه‌ی تحقیقات آکادمیک مطرح کرد، امروز در مدیریت این مسئله به نام او شناخته می‌شود:

در محیط زندگی و همچنین در محل کار، مشکلات ساده و کوچک زیادی وجود دارند که به سادگی حل می‌شوند، اما حل شدن آن‌ها دستاورد چندانی را ایجاد نمی‌کند. مسایلی هم وجود دارند که حل آن‌ها بسیار دشوار است، آنقدر که هرچند تلاش کنید موفقیت زیادی بدست نخواهید آورد. یکی از هنرهای یک استراتژیست، جستجوی حد میانی است. جایی که از یک سو، مسایل جدی هستند و ارزش حل کردن را دارند و از سوی دیگر در تلاش برای حل آن‌ها، شانس موفقیت و دستاورد بالاست.



شاپ

در شماره بعدی می‌خوانید:

موانع ایجاد تفکر استراتژیک

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
مدیر مسئول: آقای دکتر کاظم قائمی
سردبیر: آقای دکتر فرشید عابدی
مدیر اجرایی: خانم دکتر ریحانه هوشیار
نویسنده این شماره: خانم دکتر الهام چمنی
ویراستار ادبی: آقای دکتر محمد اسماعیل حنفی بجد